خبر

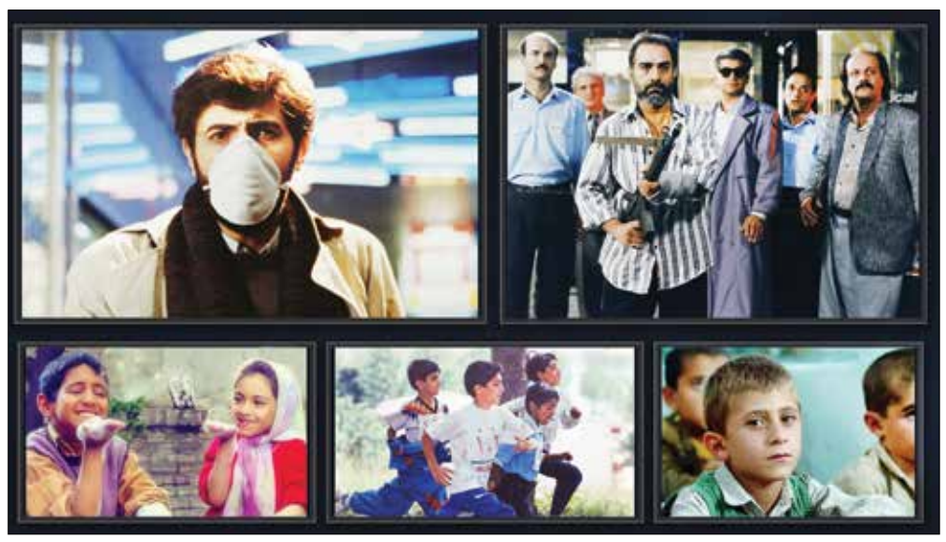
روایت جنگ‌های اخیر روی میز پژوهش

رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از آغاز برنامه جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل اسناد و روایت‌های مربوط به جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه و نبرد هرمز خبر داد. سردار رمضان‌شریف، مشاور فرمانده کل سپاه و رئیس این مرکز، با اعلام این خبر گفت: در این مسیر از تجربه راویان پیشکسوت، پژوهشگران و فعالان تاریخ‌نگاری و همچنین فناوری‌های نوین استفاده خواهد شد. او همچنین از تدوین روزشمار روایی و تحلیلی جنگ ۱۲روزه خبر داد و افزود این اثر با تکیه بر اسناد، مصاحبه‌ها و روایت‌های رسانه‌ای و فرماندهان و نقش‌آفرینان جنگ آماده انتشار می‌شود. شریف تأکید کرد تاریخ‌نگاری جنگ‌های اخیر باید بر پژوهش دقیق، اسناد معتبر و مصاحبه‌های ساختارمند استوار باشد تا از تحریف واقعیت‌ها جلوگیری و حافظه تاریخی ملت ایران برای نسل‌های آینده حفظ شود. سردار شریف تأکید کرد: دشمن امروز با ابزارهای جنگ شناختی و رسانه‌ای تلاش می‌کند واقعیت‌های مقاومت ملت ایران را وارونه جلوه دهد.



سینمای شریف، انسان را فراموش نمی‌کند

دادخواه، پژوهشگر سینما در گفت‌وگو با روزنامه «جام جم» مهم‌ترین فیلم‌های اخلاق‌گرای سینمای ایران را بررسی کرد





نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

سینما همواره ما را با پرسش‌های اخلاقی روبه‌رو می‌کند؛ حتی زمانی که فیلمساز مستقیما به این موضوع نمی‌پردازد. انتخاب شخصیت‌ها، نوع مواجهه با واقعیت، نحوه نمایش رنج انسان‌ها و حتی پایان‌بندی یک فیلم می‌تواند نوعی نگاه اخلاقی همراه خود داشته باشد. در سینمای ایران نیز بسیاری از فیلم‌های ماندگار، به‌جای آن‌که به‌طور مستقیم درباره خوبی و بدی بگویند، مخاطب را در موقعیت‌هایی قرار داده‌اند که ناگزیر است در باورهای خود بازنگری داشته باشد. از تلاش کودکانه شخصیت‌های فیلم‌های عباس کیارستمی برای انجام یک کار به‌ظاهر ساده تا تعارض‌های پیچیده شخصیت‌های اصغر فرهادی، همچنین از مفهوم ایثار در آثار ابراهیم حاتمی‌کیا تا مواجهه با فقر و کرامت انسانی در سینمای مجید مجیدی و مسائل اجتماعی و نسلی در آثار رسول صدرعاملی، اخلاق همیشه یکی از لایه‌های قابل تأمل در سینمای ایران بوده است. اما پرسش اینجاست که اخلاق در سینما به‌طور دقیق چه معنایی دارد؟ آیا فیلمساز موظف است ارزش‌های اخلاقی جامعه را تقویت کند؟ سینما تا چه اندازه می‌تواند در شکل‌گیری حساسیت‌های اخلاقی جامعه مؤثر باشد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها با دکتر پژمان دادخواه، استاد دانشگاه و پژوهشگر مطالعات سینمای ایران گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

وقتی از اخلاق در سینما صحبت می‌کنیم، منظور چیست؟ آیا همیشه باید به‌دنبال پیام‌های اخلاقی در داستان فیلم‌ها باشیم؟

به نظرم اگر اخلاق را صرفا در پیام داستان یا رفتار خوب و بد شخصیت‌ها جست‌وجو کنیم، بخش مهمی از مسأله را نادیده گرفته‌ایم. اخلاق در سینما فقط به این مربوط نیست که شخصیت اصلی فیلم چه تصمیمی می‌گیرد یا در پایان داستان چه کسی به نتیجه مطلوب می‌رسد. مسأله مهم‌تر، نوع نگاه فیلمساز به انسان و موقعیتی است که برای او خلق می‌کند. برای مثال، در فیلم «بچه‌های آسمان» ساخته مجید مجیدی، با داستانی به‌ظاهر ساده روبه‌روهستیم. گم‌شدن کفش‌های زهرا و تلاش علی برای حل این مسأله، زمینه شکل‌گیری روایتی انسانی را فراهم می‌کند. اما آنچه فیلم را از یک داستان ساده خانوادگی فراتر می‌برد، توجه آن به مسئولیتپذیری، همدلی، فقر و کرامت انسانی است. علی و زهرا در شرایطی قرار گرفته‌اند که ناچارند بیش از آنچه از کودکان در سن‌وسال آنها انتظار می‌رود، مسئولیت‌پذیر باشند. فیلم بدون آن‌که درباره فضیلت‌های اخلاقی سخنرانی و بیانیه صادر کند، این مفاهیم را در رفتار و مناسبات شخصیت‌ها به نمایش می‌گذارد. بنابراین، معتقدم اخلاق در سینما بیش از آن‌که در پیام‌های مستقیم حضور داشته باشد، در شیوه مواجهه فیلمساز با انسان و مسائل زندگی او شکل می‌گیرد.

یکی از ظرفیت‌های مهم سینمای ایران امکان پیوند دادن معنویت با جزئیات زندگی روزمره است این رویکرد به شکل‌گیری نوعی زیباشناسی اخلاقی منجر می‌شود

اگر بخواهیم از منظر فرهنگ ایرانی و آموزه‌های اسلامی به اخلاق در سینما نگاه کنیم، چه مفاهیمی ظرفیت بیشتری برای بازنمایی هنری دارد؟

ترجیح می‌دهم به‌جای تمرکز صرف بر مفاهیمی مانند راست‌گویی یا پرهیز از دروغ، به مجموعه‌ای از ارزش‌های عمیق‌تر در سنت اخلاقی ایرانی-اسلامی توجه کنیم؛ مفاهیمی مانند مروت، جوانمردی، انصاف، حرمت انسان، احسان، گذشت و مسئولیت در قبال دیگران. برای مثال، مروت در فرهنگ ایرانی صرفا به معنای انجام یک کار خیر نیست؛ بلکه نوعی منش انسانی است که در شرایط دشوار خود را آشکار می‌کند. جوانمردی نیز زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان بتواند در موقعیت قدرت، از جایگاه خود سوءاستفاده نکند و مهربان و بخشنده باشد. به نظرم فیلم «باشو، غریبه کوچک» نمونه‌ای درخشان در این رابطه است. فیلم درباره کودکی است که به‌دلیل جنگ از محیط زندگی خود جدا و وارد فضایی کاملا متفاوت می‌شود. نایی، زن روستایی، بدون آن‌که در ابتدا زبان و فرهنگ باشو را بشناسد، او را می‌پذیرد و از او مراقبت می‌کند. اما اهمیت فیلم فقط در رفتار انسانی نایی خلاصه نمی‌شود. باشو در محیط جدید با نوعی بیگانگی و طرد اجتماعی نیز مواجه است؛ تفاوت زبان، رنگ پوست و خاستگاه جغرافیایی او موجب می‌شود که بخشی از جامعه محلی نتواند به‌سادگی حضورش را بپذیرد. از این منظر، فیلم صرفا روایتی درباره مهربانی و مهمان‌نوازی نیست، بلکه به مسأله پیشداوری، مرزبندی میان خودی و دیگری و دشواری پذیرش تفاوت نیز می‌پردازد. نایی در برابر این نگاه طردکننده می‌ایستد و با پذیرش باشو، امکان شکل‌گیری رابطه‌ای انسانی را فراهم می‌کند. یکی از وجوه ارزشمند فیلم همین است که اخلاق مواجهه با دیگری را در دل موقعیتی اجتماعی و ملموس تصویر می‌کند. از این منظر، این فیلم را می‌توان روایتی هنری از مهمان‌نوازی، شفقت، همبستگی و پذیرش تفاوت دانست؛ ارزش‌هایی که در سنت فرهنگ ایرانی و آموزه‌های اخلاق اسلامی جایگاه مهم و اساسی دارند.

آیا می‌توانیم بگوییم سینمای ایران در بازنمایی اخلاق دینی و معنویت، به زبان و زیبایی‌شناسی مستقلی رسیده است؟

این موضوع به بررسی دقیق‌تری نیاز دارد، اما سینمای ایران در برخی آثار خود توانسته معنویت را با استفاده از عناصر و امکانات سینمایی بدون آن‌که به گفت‌وگوهای مستقیم دینی یا بیان صریح مفاهیم اعتقادی متوسل شود، بازنمایی کند. برای مثال، در فیلم «طلاومس» ساخته همایون اسعدیان، معنویت در مراقبت از همسر بیمار، در تحمل دشواری‌ها و در تغییر تدریجی نگاه شخصیت اصلی به زندگی تجلی پیدا می‌کند. فیلم به‌طور مستقیم و شعاری به ما نمی‌گوید معنویت چیست؛ بلکه امکان درک و تجربه آن را در بستر مناسبات انسانی فراهم می‌کند. همچنین در «یک حبه قند» ساخته رضا میرکریمی، آیین‌های خانوادگی، مناسبات خویشاوندی، مهمان‌نوازی و جزئیات زندگی جمعی، بخشی از جهان فرهنگی و اخلاقی ایرانی را شکل می‌دهند. خانه و حیاط در این فیلم تنها محل وقوع اتفاقات نیستند، بلکه فضایی برای نمایش روابط، خاطرات و پیوندهای خانوادگی به‌شمار می‌آیند. از سوی دیگر، تقابل فضای جشن و شادی با وقوع مرگ، لایه دیگری از معنای فیلم را شکل می‌دهد و مخاطب را با شکنندگی زندگی و تغییر ناگهانی موقعیت‌های انسانی مواجه می‌کند. در چنین اثری، اخلاق را می‌توان در روابط میان افراد، رفتارهای روزمره و شبکه عاطفی خانواده جست‌وجو کرد. یکی از ظرفیت‌های مهم سینمای ایران، امکان پیوند دادن معنویت با جزئیات زندگی روزمره است. چنین رویکردی می‌تواند به شکل‌گیری نوعی زیباشناسی اخلاقی منجر شود که در آن، امر معنوی از زندگی جدا نیست، بلکه از راه فرم، فضا، میزانسن و روابط انسانی در متن تجربه‌های عادی انسان معنا پیدا می‌کند.

معتقدم اخلاق در سینما بیش از آن‌که در پیام‌های مستقیم حضور داشته باشد، در شیوه مواجهه فیلمساز با انسان و مسائل زندگی او شکل می‌گیرد

در آثار عباس کیارستمی نوعی توجه به مسئولیت فردی و رفتار اخلاقی دیده می‌شود. با این تفاوت که او از روایت‌های ساده و روزمره استفاده می‌کند. این سادگی چه کارکردی دارد؟

کیارستمی از آن دسته فیلمسازانی است که نشان می‌دهد برای طرح یک مسأله عمیق اخلاقی، الزاما به داستانی پیچیده و پرحادثه نیاز نداریم. در «خانه دوست کجاست؟» یک کودک برای بازگرداندن دفتر مشق دوستش تلاش می‌کند. از نظر اتفاقات داستانی با ماجرای بسیار ساده‌ای روبه‌رو هستیم، اما همین اتفاق کوچک به مسأله‌ای درباره مسئولیت‌پذیری و توجه به دیگری تبدیل می‌شود. احمد، کاری را انجام می‌دهد که شاید از نظر بزرگ‌ترها چندان مهم نباشد، اما برای او اهمیت اخلاقی دارد. او نمی‌تواند نسبت به مشکلی که برای دوستش ایجاد شده بی‌تفاوت باشد. نکته مهم این است که کیارستمی به مخاطب نمی‌گوید این رفتار چقدر ارزشمند است، بلکه اجازه می‌دهد خودمان اهمیت آن را کشف کنیم. همچنین سادگی روایت در اینجا به معنای ساده بودن مسأله نیست؛ برعکس، موقعیتی کوچک به فرصتی برای تأمل درباره مسئولیت فردی تبدیل می‌شود. در «طعم گیلاس» نیز پرسش‌های عمیق‌تری درباره زندگی، مرگ، انتخاب و نسبت انسان با جهان مطرح می‌شود. فیلم پاسخ آماده‌ای در اختیار مخاطب قرار نمی‌دهد و همین ویژگی باعث می‌شود پرسشها و مسأله اخلاقی و وجودی آن پس از پایان فیلم نیز ادامه پیدا کنند. یکی از دستاوردهای مهم کیارستمی این بود که به مخاطب اعتماد می‌کرد و برای قدرت اندیشیدن و تفسیر او ارزش قائل بود. البته باید میان خوانش اخلاقی یک فیلم و نیت قطعی فیلمساز تفاوت قائل شد. ما می‌توانیم خانه دوست کجاست؟ را از منظر مسئولیت‌پذیری تحلیل کنیم، اما این به معنای آن نیست که فیلم را صرفا اثری برای آموزش یک فضیلت اخلاقی بدانیم. ارزش سینمای کیارستمی تا حد زیادی در همین گشودگی و امکان خوانش‌های متنوع نهفته است.

در سوی دیگر، فیلم‌هایی مانند آثار ابراهیم حاتمی‌کیا قرار دارند که معمولا با مسائل اجتماعی، سیاسی و ارزشی درگیرند. اخلاق در این نوع سینما چگونه شکل می‌گیرد؟

در سینمای حاتمی‌کیا، اخلاق اغلب با مفاهیمی مانند تعهد، وفاداری، ایثار و مسئولیتپذیری در برابر دیگران پیوند دارد. اما نکته قابل توجه این‌که این مفاهیم همیشه در شرایطی آرام و بدون تعارض مطرح نمی‌شوند، بلکه اغلب در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که شخصیت‌ها ناچارند میان ارزش‌ها و مسئولیت‌های مختلف دست به انتخاب بزنند. در «آژانس شیشه‌ای»، حاج‌کاظم خود را در شرایطی می‌بیند که نجات دوستش را ضرورتی فوری و انکارناپذیر تلقی می‌کند و برای دفاع از باورها و دغدغه‌هایش دست به اقداماتی می‌زند که از منظر اجتماعی محل بحث هستند. همین مسئله فیلم را به اثری قابل بحث تبدیل می‌کند و زمینه طرح پرسش‌های اخلاقی را فراهم می‌آورد: وفاداری به یک دوست تا چه اندازه می‌تواند بر تصمیم‌ها و رفتارهای فرد تأثیر بگذارد؟ جامعه در قبال افرادی که در مقاطع حساس برای آن فداکاری کرده‌اند، چه مسئولیتی دارد؟ فیلم این پرسش‌ها را در قالب یک موقعیت دراماتیک مطرح می‌کند. در فیلم «از کرخه تا راین» نیز ایثار و مسئولیت در قبال کسانی که در جنگ آسیب دیده‌اند، به یکی از محورهای اصلی تبدیل می‌شود. حاتمی‌کیا در این اثر تلاش می‌کند نسبت میان تجربه‌های فردی و ارزش‌های جمعی را از زاویه‌ای انسانی به تصویر بکشد. به نظرم، یکی از نقاط قوت این آثار، تبدیل مفاهیم کلی و انتزاعی به موقعیت‌هایی ملموس و انسانی است. مخاطب صرفاً با مفاهیمی مانند ایثار و وفاداری روبه‌رو نمی‌شود، بلکه ابعاد مختلف این مفاهیم و ارزش‌ها، تأثیرشان بر زندگی افراد و پیامدهای‌شان در موقعیت‌های دشوار را نیز درمی‌یابد.

رسول صدرعاملی در بخش مهمی از کارنامه خود به نوجوانان و مسائل اجتماعی و خانوادگی آنها پرداخته است. اهمیت این نوع سینما را از زاویه اخلاقی چطور ارزیابی می‌کنید؟

یکی از ویژگی‌های قابل توجه سینمای رسول صدرعاملی، توجه به نوجوان به عنوان انسانی مستقل با مسائل، احساسات و قدرت تصمیم‌گیری خاص خودش است. در بسیاری از فیلم‌های اجتماعی، نوجوانان بیشتر در حاشیه زندگی بزرگ‌ترها قرار می‌گیرند؛ اما صدرعاملی تلاش کرده آنها را در مرکز روایت قرار دهد و جهان را از زاویه نگاه‌شان بررسی کند. در «دختری با کفش‌های کتانی»، ما با دختری نوجوان مواجه هستیم که در جریان یک اتفاق، ناگهان خود را در برابر قضاوت‌های اجتماعی و خانوادگی می‌بیند. فیلم فقط درباره یک مسأله شخصی نیست؛ بلکه درباره نحوه مواجهه جامعه با نوجوانی را به پرسش می‌گذارد که از چارچوب‌های مورد انتظار فاصله گرفته است.



متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

دکتر مختار شیخ‌حسینی | نویسنده و پژوهشگر

شیعیان غرب آسیا از الهیات تا قدرت

اخیرا شیخ حسین معتوق، نامه یکی از زندانیان کویت را برای‌مان قرائت می‌کرد؛ نامه‌ای که با روحیه‌ای عالی از این امتحان الهی نوشته و اعتقاد زندانیان به نصرت الهی در جمله‌جمله آن جاری بود. یکی از علمای بحرین که به حبس ابد محکوم شده، پیامی برایم فرستاده که: «این حکم، سند افتخار من است.» همین دو روایت نشان می‌دهد که از نگاه شیعیان کشورهای خلیج‌فارس، این محدودیت‌ها، نقض حقوق، سلب شهروندی و زندانی شدن، ادامه معرکه‌ای تاریخی بین شیعیان و حکومت‌های جائر است. بیشتر شیعیان این معرکه را الهیاتی تفسیر می‌کنند که شیعه در طول تاریخ همواره تحت فشار قدرت‌ها و حکومت‌های جائر بوده و اساسا رسالت عاشورایی ما ادامه همین مسیر است؛ آنچه امروز رخ می‌دهد نیز چیزی جدا از تاریخ گذشته نیست. طبعا این نگاه، از منظر الهیاتی و بر پایه مبانی قرآنی، رویکردی درست است؛ نگاهی که معرکه همیشگی تاریخ را با دوگانه حق و باطل و مستضعف و مستکبر تفسیر می‌کند، همواره به آینده امیدوار است و تحمل زندان، اعدام و... را رسالتی حسینی می‌داند. این، تقریبا روایت غالب سخنرانی شیخ‌حسین معتوق، رهبر شیعیان کویت که به اعدام محکوم شده است، نیز بود؛ روایتی که در میان دیگر شیعیان این کشورها نیز تا حد زیادی عمومیت دارد.

اما جمهوری اسلامی که براساس همین گفتمان الهیاتی و قدرت نرم بنا شده، امروز به قدرتی سخت نیز تکیه دارد. شاید قریب به اتفاق محکومان به حبس ابد، اعدام و... اصلا در فضای کنشگری امنیتی نبوده‌اند. با این‌حال در پرتو جنگ منطقه‌ای اخیر و تحول در مناسبات ایران و همسایگان جنوبی، شیعیان این کشورها از قربانیان دیکتاتورهای عربی شده‌اند. به بهانه حمایت و همکاری با ایران، تعداد زیادی از شیعیان به حبس ابد و زندان‌های طولانی‌مدت محکوم شده، شهروندی‌شان سلب شده و اموال‌شان توقیف شده است.

هر چند شیعیان این کشورها، با نگاهی الهیاتی -قرآنی، این هزینه دادن را در مسیر تاریخی و هویتی شیعیان و رویارویی با حکومت‌های جائر تفسیر می‌کنند اما آیا نباید پرونده شیعیان منطقه، بخشی از مذاکرات و بده‌بستان‌های ایران با طرف‌های مقابلش باشد؟ این روزها که تحلیل درباره جزئیات آنچه باید داده و گرفته شود، رواج زیادی دارد؛ پرونده شیعیان این کشورها در حاشیه متن هم انگار نیست.

پاسخ پرسش فوق شاید در این نکته نهفته باشد که ایران نباید مانند آن شیعیان دربند، صرفا از منظر الهیاتی به مسأله نگاه کند؛ در اینجا، قدرت و اراده اعمال آن می‌تواند این پرونده را به بخشی از مذاکرات تبدیل کند. بدون تعیین تکلیف سرنوشت شیعیان منطقه در مناسبات قدرت، آنان را در برابر جلادانی قرار می‌دهد که پایان غم‌انگیز شیعیان بومی کشورهای منطقه را رقم می‌زنند. به‌جای شعار و بیانیه، متغیر مستقل، اراده یا عدم اراده معطوف به قدرت در ایران است که آینده شیعیان در منطقه را جهت‌دهی خواهد کرد.

جشنواره



بیش از ۷۰۰ فیلم به دبیرخانه جشنواره حقیقت رسیدند

۷۷۶ فیلم مستند ایرانی برای حضور در بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» به دبیرخانه این رویداد رسیدند. دبیرخانه بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» آمار آثار رسیده را اعلام کرد. طبق این آمار در نهایت از میان بیش از ۸۰۰ فیلم که برای حضور در جشنواره ثبت‌نام کرده بودند، ۷۷۶ فیلم به دبیرخانه رسیدند. از این تعداد ۵۴۷ مستند کوتاه، ۱۲۸ مستند نیمه‌بلند و ۱۰۱ مستند بلند ارزیابی شدند. در این دوره ۴۲۱ فیلم برای حضور در جایزه شهید آوینی متقاضی بودند و ۵۲۴ فیلم مستند برای بخش «ایران» ثبت شدند. در میان آثار رسیده، مستندهای اجتماعی، خانواده، تاریخی و میراث فرهنگی، دینی، آیینی، مردم‌شناسی و محیط‌زیست به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند. استان تهران، خراسان‌رضوی و اصفهان بیشترین تعداد آثار ثبت‌شده در سامانه را به خود اختصاص داده‌اند. این جشنواره حقیقت با دبیری محمد حمیدی مقدم از ۱۸ تا ۲۴ آذرماه ۱۴۰۵ برگزار می‌شود.

نمایش



«نقش بر آب» میزبان هنرمندان می‌شود

نمایش «نقش بر آب» به نویسندگی و کارگردانی شهرام مسعودی که از ۲۴ آبان‌ماه ساعت ۱۹ در تماشاخانه سنگلج روی صحنه رفته است، فردا اجرای ویژه هنرمندان را برگزار می‌کند. رضا جهانی، الهه پورجمشید، بابک مولانا و شهرام مسعودی، به ترتیب ورود به صحنه، در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند. در خلاصه داستان نقش بر آب آمده است: همه جا را آب گرفته و تلاش و درگیری‌های برای بقا، جنگی برای منفعت، حیات و نجات بین آدم‌های قصه شکل می‌گیرد. این نمایش بر پایه عناصر نمایش ایرانی و در چهارچوب کمدی روایت و با همراهی موسیقی زنده روایت می‌شود. می‌توان از جذابیت‌های آن به نقش‌آفرینی بازیگران بر روی صحنه‌ای معلق و سازه‌ای بزرگ و شناور که طراحی و جلوه صحنه‌ای قابل توجهی دارد اشاره کرد. از دیگر عوامل این اثر می‌توان به موسیقی: علی‌سینا رضانیا، طراح صحنه و لباس: شهرام مسعودی، طراح نور: رضا خضرایی، طراح گریم: سهیلا جوادی و... اشاره کرد.

رویداد



منع ورود نامزد یک جایزه مهم ادبی به آمریکا

عبدالرحمان الجندی، نویسنده‌ای که از حضور در آمریکا برای شرکت در مراسم امسال جایزه ملی کتاب آمریکا بازمانده است، با وجود آن‌که کتاب خاطراتش در بخش غیرداستانی این جایزه به مرحله نهایی راه یافته، ظاهرا واجد شرایط دریافت آن نیست. عبدالرحمان الجندی در مقاله‌ای شخصی که هفته گذشته در نشریه نیویورکر منتشر شد، درباره روند دشوار و ناامیدکننده‌ای نوشت که برای دریافت ویزای ورود به آمریکا و حضور در مراسم امسال جایزه ملی کتاب آمریکا پشت سر گذاشته است. الجندی برای کتاب خاطراتش با عنوان «هُنا» نامزد نهایی بخش غیرداستانی این جایزه شده است؛ کتابی که درباره سال‌هایی است که او در زادگاهش مصر به‌عنوان زندانی سیاسی سپری کرد. او در مقاله‌اش نوشت که مدارک متعددی را به یکی از نمایندگان دفتر کنسولی آمریکا ارائه کرده تا ثابت کند ساکن اروپاست و در آنجا آپارتمانی اجاره کرده است. به گفته او، این مدارک نشان می‌داد که پس از پایان سفر کوتاهش، آمریکا را ترک خواهد کرد.

تئاتر



«چلاق آینیشمان» در تماشاخانه طهران

نمایش «چلاق آینیشمان» به نویسندگی مارتین مک‌دونا و ترجمه و کارگردانی سیدحمیدرضا حسینی، کاری از گروه هنری آشیل است که تا جمعه ۱۳ آذر هر شب ساعت ۲۱ در سالن مدآ تماشاخانه طهران روی صحنه می‌رود. در این نمایش به ترتیب ورود به صحنه، بهگل ذوالفقارزاده، مهدیس محمدنژاد اصلی، بهنام عموخلیلی، سیدحمیدرضا حسینی، بامداد راکی، حانیه حزین‌الذاکرین، حمید عباسی، سعید هاشمی و صدف خاقان به ایفای نقش می‌پردازند. چلاق آینیشمان داستان بیلی، جوانی معلول در یکی از جزایر ایرلند را روایت می‌کند که در جست‌وجوی فرصتی برای تغییر زندگی و رهایی از محدودیت‌های محیط پیرامون خود است. باورود یک گروه فیلمبرداری هالیوودی به جزیره برای ساخت فیلم و انتخاب بازیگر از میان اهالی، بیلی نیز تلاش می‌کند خود را به این گروه برساند و همراه آنها راهی آمریکا شود، سفری که امیدوار است از طریق آن، علاوه بر تغییر سرنوشتش، به راز مرگ پدر و مادر خود پی ببرد. با این حال، مسیر زندگی بیلی به شکلی دیگر رقم می‌خورد.